

ترکمنستان

ارگان کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران

دوره اول ، سال اول ، شماره ۱

شهریور ماه ۱۳۶۶ ، ۶۰ ریال

دمکراسی برای ایران
خود مختاری شورایی برای ترکمنستان

ترکمنستان

"ترکمنستان" ندای آزاد خلق ترکمن است؛ ندای فبرزدان رنج و کار است. "ترکمنستان" ندای آن شهدایی است که چون سرو در برابر دشمنان جمهوری اسلامی قد برافراشته جان باختند؛ ندای آن دهقانانی است که در دفاع از قطعه زمین خود در زیر سرنیزه های ژاندارمها و پاسداران با خبون خود زمین خود را آبیاری کردند. "ترکمنستان" ندای رزمندگانی است که سنگر به سنگر با نیروهای متجاوز و سرکوبگر جمهوری اسلامی دست و پنجه نرم کرده و قهرمانانه از خلق خود دفاع کردند؛ ندای فرزندان راستین خلق ترکمن است که تحت شرایط خفقان، ترور و وحشت در میهن خود نستوه پیکار می کنند؛ ندای مبارزانی است که مجبور به جلای وطن شده و در تمام نقاط جهان علیرغم درد غربت و دوری و تحمل ناملایمات فراوان، از خلق خود و سازمان رزمندگانه آن، کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن دفاع می کنند.

"ترکمنستان" همواره خواهد کوشید صدای حق طلبانه، خلق ترکمن را به گروش دیگر خلقهای ایران و خلقهای اقصی نقاط دنیا برساند و آنان را از مبارزه، خلقی که سالیان متعادی تحت ستم های ملی و طبقاتی رنج برده آگاه سازد. این نشریه مبلغ پیکر نظام ملی و همکاری و همیاری برادرانه، همه خلقهای ستکنش ایران بوده و در راه وحدت نیروهای انقلابی و مترقی تلاش خواهد کرد.

"ترکمنستان" همچون رشته پیوندی خواهد بود که همه مبارزان ترکمن را در ترکمنستان و در سطح کشور و نیز در خارج از مرزها در جریان مبارزات خلق خویش قرار داده به بقیه در صفحه ۴

در پیرامون "بیانیه"

انتشار بیانیه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن به مناسبت ۶۳-مین سالگرد اعلام جمهوری ترکمنستان ایران و "بررسی نقادانه و صادقانه گذشته جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن جهت کشف علل نقاط ضعف تشکیلاتی و سیاسی آن" در این بیانیه حاصل چندین سال مبارزه، ایدئولوژیک و سیاسی انقلابیون ترکمن و نتیجه کار است. مبارزاتی خلق ترکمن در سده اخیر است. سالیان درازی است که خلق ترکمن برای دستیابی به حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه

میکنند و مراحل زیادی از تاریخ خود را در مبارزه با دشمنان کوناگون سپری ساخته است. این مبارزات زمانی متوجه اشغالگران روسیه تزاری بود که از سال ۱۹۱۲ تا سال ۱۹۱۷ ترکمنستان را به اشغال خود در آورده بودند؛ زمانی دیگر علیه رضاخان میرپنج برد که بسا سرنگون ساختن جمهوری ترکمنستان ایران این منطقه را تحت اشغال نظامی خود در آورده و جنایات بیشماری مرتکب شده بود؛ و دوره ای نیز متوجه محمد رضا شاه بوده و اکنون نیز علیه رژیم قرون وسطایی اسلامی میباشد. لـذآ بقیه در صفحه ۸

در تداوم مبارزه ملی

قریب ۸ سال است که حکومت خود مختار شورایی خلق ترکمن زیر مهییز نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی سقوط کرده است. با سقوط این حکومت و از هم پاشیدن دستگاه ستاد مرکزی شوراهای روستایی ترکمنستان "رشته تشکیلات کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن نیز از هم گسیخته شد. تلاش چند ساله بنیانگذاران، کادرها، اعضا و هواداران کانون در راه احیاء، انسجام و تحکیم تشکیلات کانون از یخس و کسب استقلال تشکیلاتی این سازمان

از سوی دیگر، علیرغم مانع تراشیها و نارشکنی های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در نهایت به بار نشست. البته این امر را باید از بدیهیات تلقی کرد که کارشکنی های رهبری "اکثریت" - این پاردر شکل و سطحی دیگر نمائگان ادامه خواهد یافت. لذا آنچه برای ما حائز اهمیت بوده و ما را بر آن داشته که صف کانون را از صف "اکثریت" جدا کنیم، اعتقادمان به اصل حق ملی برای تعیین سرنوشت خویش بدست خریشر است. این اصل عملی نخواهد

بقیه در صفحه ۱۱

تاریخچه مسئله ارضی در ترکمنستان ایران

بررسی آثار ما غنیمت قوی پراغی

در صفحه ۲

گلینگ (شعر)

در صفحه ۳

بحران خلیج فارس

در صفحه ۲

آخبار ترکمن صحرا

در صفحه ۷

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

آمریکا بار دیگر در صدد ضرب‌شست نشان دادن است. این بار هدف گویا ایران است. رزمنان و پشت رزمنان وارد خلیج فارس می‌شود؛ زیر دریایی‌ها به منطقه نزدیک می‌شوند؛ ناوهای هواپیمابر در حال مستقر شدن و آواکسها دائم در حال پروازند. منطقه خلیج فارس به نقطه انفجار خود نزدیک می‌شود.

همین پارسال بود که طی صحبت‌های محرمانه بین دولتمردان آمریکایی و ایرانی بر روی امکان به زیر کشیدن صدام از مقام ریاست جمهوری عراق مشورت‌هایی صورت گرفته بود. اولیور نورث، مسئول صدور اسلحه‌های آمریکایی به ایران و اختصاص رسد این معامله به ضد انقلابیون نیکاراگوئه، معتقد است که ریگان در جریان همه این کارها قرار داشته است. از طرف دیگر همین ریگان بود که گاه و بیگاه جمهوری اسلامی را رژیم "وحشی" و شخص خینی را "دیوانه" خطاب می‌کرد و بدین طریق هر نوع مراوده و معامله با این رژیم را نفی می‌کرد. چنین است ماهیت سیاست امپریالیستی آمریکا!

حال آمریکا از طریق برافراشتن پرچم پرستاره خود بر فراز نفتکشهای کویتهای وارد مسائل حاد ایران، عراق و خلیج فارس شده است. زمانی که دولت کویته برای اولین بار در دیماه ۱۳۶۵ تقاضای کمک از آمریکا جهت استفاده از پرچم این کشور برای نفتکشهای خود کرد، جواب مثبتی دریافت نکرد. گویا: استدلال آمریکا در این رابطه عدم مداخله در جنگ "کثیف" ایران و عراق و حفظ "بیطرفی" این دولت بوده است. لیکن دیری نپایید که آمریکا در تصمیم خود تجدید نظر کرده و تقاضای کویته‌ها را برآورده ساخت؛ البته پس از آنکه دولت کویته به اتحاد شوروی رجوع کرده و تقاضای مشابهی نموده بود.

بدینسان دولت آمریکا بدرفه ۱۱ نفتکش از ۲۲ نفتکش کویته را از تنگه هرمز زیر پرچم ایالات متحده تعقیب کرده عبور سالم این نفت‌کرها از این تنگه را تضمین میکند. از آغاز "جنگ نفتکشها" تاکنون ۱۸۳ نفتکش

بحران خلیج فارس

توسط عراقی‌ها و ۱۰۴ نفتکش بوسیله ایرانیها مورد حمله واقع شده و در مجموع ۲۰۰ کشتی بر جای نهاده است.

درست بعد از جواب مثبت آمریکایی‌ها به نوبتی‌ها بود که ناوگان جنگی "استارک" آمریکا در خلیج فارس مورد اصابت موشکهای "اکسوست" عراقیها قرار گرفت. در این حادثه حدود ۳۰ ملوان آمریکایی کشته شدند. این حادثه دستاویز دیگری بود برای حضور بیشتر آمریکا در خلیج فارس. بدنبال ناوگانهای مستقر در عمان، ناوگانهای دیگری بسوی خلیج فارس گسیل شدند. اعزام ناوگانهای جنگی همراه با ناوهای هواپیمابر در این مقیاس هدفی جز داغ زدن شورجنگ و یا کشودن جبهه‌ای دیگر در خلیج فارس نمی‌تواند داشته باشد. همچنین برخورد چند نفتکش با مین در تنگه هرمز - اصرار حضور نظامی آمریکا با پشتیبانی "ناتو" را بیشتر کرد. آمریکا با این دستاویز تقاضای همکاری از کشورهای چون فرانسه، انگلستان، ایتالیا، آلمان غربی و ... برای مین رویی کرد. بدنبال این تقاضا بود که فرانسه و انگلستان بعد از اندکی تأمل، مین رویهای خود را عازم تنگه هرمز کردند.

هر چند سردمداران جمهوری اسلامی کاخ سفید نشینان و آشنگتن را با دادن "درس خونین" تهدید کردند، ولی احتمال واکنش قاطع از طرف آنها در شرایط فعلی ضعیف است. بویژه اینکه ریگان شخصا به افسران خود در خلیج فارس دستور داده که در برابر هر نوع حمله و حتی احتمال حمله آتش بکشایند.

ریگان، در پی ترک برداشتن بیکسره اتوریته‌اش در میان مردم آمریکا در ماجرای "ایران گیت"، مجدانه تلاش می‌ورزد تا این نعیمه را جبران کرده اتوریته اولیه را بسازد. او در شرایط فعلی احتیاج مبرم به

یک "پیروزی" بهر قیمت دارد و ایستادن "پیروزی" شاید در خلیج فارس و از طریق تنگه هرمز دست‌یافتنی است.

آخوند‌های جمهوری اسلامی تاکنون چندین بار دولت آمریکا را "کنف" کرده‌اند؛ یشار در ماجرای گروگانگیری کارکنان سفارت - خانه آمریکا در تهران و بار دیگر در ماجرای "ایران گیت". اکنون نوبت آمریکا است که با زیر فشار قرار دادن آخوندها هم جبران مافات بکند و هم از این طریق اعتماد متحدین غربی خود در خاور میانه را که در پی ماجرای "ایران گیت" از آمریکا دلگیر شده بودند جلب کند. البته هدف اصلی حضور آمریکا در خلیج فارس، توسعه جبهه امپریالیستی و تثبیت و تحکیم حضور نظامی خود در منطقه است. سردمداران کاخ سفید مدت‌ها بود که در انتظار چنین فرصتی نشسته بودند. آنها با ادعای واهی حفظ "بیطرفی" آمریکا در مسئله جنگ ایران و عراق، در واقع بسا صدور اسلحه به طرفین درگیر و قرار دادن اطلاعات جاسوسی در اختیار آنها به شعله زدن آتش جنگ و تشنج شدن سیاست اوضاع منطقه یاری رسانده‌اند. سیاست امپریالیستی آمریکا همیشه بدین منوال بوده است. در حرف دم از صلح و آزادی زدن و در عمل به جان هم انداختن مردم و حتی لشگرکشی به برخی کشورهای ضعیف (چون کرنادا) و سرکوب خونین آنها.

جمهوری اسلامی که اعزام ناوها و رزم-ناوهای آمریکایی به خلیج فارس را "اعلام جنگ" این دولت به ایران تلقی می‌کنند، بنویه خود آمریکا را با موشکهای چینی "کرم ابریشم" و گروههای "انتحار" تهدید می‌کند. موشکهای "کرم ابریشم" حدود ۸۰ کیلومتر برد دارند و قدرت انفجارشان دو برابر قدرت انفجار موشکهای فرانسوی "اکسوست" است که عراقیها در اختیار دارند. عرض تنگه هرمز در مجموع ۵۰ کیلومتر است. بنابراین رژیم اسلامی می‌تواند هر

بررسی آثار ماغتیم قولی پراغی

روح و وحدت طلبی، آزادی و استقلال در آثار ماغتیم قولی

ماغتیم قولی پراغی، شاعر و اندیشمند بزرگ خلق ترکمن، در آثار خود غارت و چپاول و ظلم و ستمی را که در قرن هیجدهم بر خلق ترکمن روا شده به روشنی ترسیم میکند. در قرن هیجدهم میلادی، زمانیکه ماغتیم-قولی هنوز نوجوانی بیش نبود، نادرشاه، مستبد معروف، فرمانروایی میکرد. خلق ترکمن نیز همانند دیگر خلقها زیر فشار حکومت نادر-شاه رنج میبرد. این درد و رنج تأثیر عینی بر آثار ماغتیم قولی گذاشته است. نادرشاه تمامی آسیای میانه، قفقاز و بخشی از هندوستان را به تصرف خود در آورده و مردم آنجا را به

خاک و خون کشیده و از اجساد کشته شدگان تلی ساخته و از کله های آنان مناره ها بسپا داشته بود. اواخر پائیز ۱۷۴۰ میلادی خبوه و بخسارا به اشغلال نادرشاه در می آید. تمامی طوایف ترکمن مانند ارساری، بیوموت، تکه، سالور، ساریق، چاودور، ایگدیر و غیره که از کناره های آمودریا بطرف خبوه حرکت کرده و در آنجا سکونت کرده بودند، با سقوط خبوه بدست نادرشاه عقب نشینی کرده و با بر جای گذاشتن زمینهای زراعی و اموال و احشام خود عازم مانتشلاق (بخشی از کازاخستان) می شوند. بدنبال این عقب نشینی ترکمنها در سالهای ۱۷۴۰-۴۱ را در خبوه، کوههای بالکان و خلیج مانتشلاق و در صحراهای برهسوت در

بدترین شرایط بسر میبرند. مرگ و میر دامها در اثر سرما و گرسنگی و غیره وضعیت ترکمنها را اسفبارتر میکند.

چپاولگری لشکریان نادرشاه خسارات جبران ناپذیری بر اقتصاد کشاورزی خلق ترکمن وارد میسازد. افراد زیادی بویژه زنان و دختران به اسارت در آمده و به عنوان برده بفروش میرسند. ماغتیم قولی، شاعر انساندوست و وطن پرست اشعار زیادی در باره این فجایع سروده است. نمونه هایی از این اشعار که در رد غارتگری و برده داری سروده شده عبارتند از:

گلدی غارا بلا ایلی دالادی
داخان آچیپ، تیلی بیله یالادی
ویا:

بقیه در صفحه ۴

آرمان، شو چاقا چن اید گلی گزیدیک،
نام اوچین بیلمدیک اوئیمیز یوراپ،
تورکمن ناما غاریپ بولسادا هرگیز،
عقل هم غایراتا بولماندی غاریپ.

گلینگ

گلینگ ایلد شلریم، گلینگ دوستلریم،
شادیان حابارمی اوقانگ گوزومدن،
یوزومدن بهارینگ بارق اوریان گولین،
گوللرینگ ایسینی آلینگ سوزومدن.

حایحاییلی گوللرینگ بینگ موکامین،
تازه دن کویسانلر دینگلگه سین منی،
تورکمن توبراقتندان مثللی سوتیمینگ،
کوکون قویارماقا چرمه یان قولونی.

ایللریم اوزالدان تانا یار سیم،
ایل - گونینگ ائنامین اودان گرچک من،
بو آلا صحرادا، آتا یوربیمده،
ارکانا دوروموشینگ کوشلین قوراجاق من.

ساواش آیدیملرین دینگلانگ، دایانینگ
بیللر قاییم قوشالمالی بو گوللر!
آتالار حاتارما پیادا گیرسه،
دور آتین ده بسلاپ گلسین اوغول لار

باختیمینگ بولگی یوزلری آیم،
اویلام، بارماقی گللی لم گلسین،
اللری چکیلی آقار بیلن،
چنگده یتیم قالان باللی لام گلسین.
دورت شهیدیم دورت یتلدیزیم اوچمزک،
دورا عاشق بولون ائشانلار گلسین،
ارقالی لار ارکه سوزلار دلیپ دیر،
ارکه سوزلمگی اشلانلر گلسین.

یولونی یتیریب، بیر یودا گوزلآپ،
سیله - سیاحتا چیقانلار گلسین،
اللری قابارچاق دایخانلار بیلن،
آیاقی چاریقلی چویان لار گلسین.

گوزل مئانینی سئویان لار گلسین،
هم تورکمن لیگینه قینان مایان لار،
توبراقتنا سجده ادیان لار بیلن،
گلسین انه دلیینه ساریا قویان لار.
اوز ایلینگده قول بولماقلیق نه یامان،
قول بولماقا قارشی کیتجک لار گلسین،
اوز یوکونگی چکک قهرمانلیق دال،
ایل یوکونی آرقا آتجاج لار گلسین.

پلسیه آختاریپ اوتورمایین من،
قوی قورساقدا سسسیز اینگلگه سین یورک،
هر حال ایندی مانگا عاصاکش دالده،
دینگ حومات - حقوقلی ماحرم دوست گبرک،
مانگا کول سپنلر گوزهر اوستونه،
اگینه اولدی کونگه کییانلر گبرک،
مانگا ((من سانگا دوست)) دییانلر دالده،
مانگا ((سن مانگا دوست)) دییانلر گبرک.

مانگا ایکی یوزلی آدام لار دالده،
مانگا ایکی یوزلی قتلچ لار گبرک،
تاوشان یوزوک هاوچی لاردان ایردیم من،
مانگا یولبارس یوزوک یولداشلار گبرک.

آتیان اوق دآشدان قایتماز بی کومان،
یترس گوزر شیب آرزولی کونه،
قاقب تومشوقتنا بورنی یللی لنگ،
کیدر یلینگ اوغلانلار، کیدر یلینگ اؤنگه!

سانچار

ارد بیبهشت ۱۳۶۶

ترکمنستان

متابه ارگان تبلیغی و ترویجی آنان عمل خواهد کرد . " ترکمنستان " همواره تلاش خواهد کرد تا از طریق مطالب مربوط به افشاگری های سیاسی ، اقتصادی و غیره به ارتقا آگاهی - سیاسی خلق یاری رسانده و آنها را در قبال دسیسه های ضد خلقی رژیم اسلامی هشیار سازد . ارائه مقالات ادبی و اشعار ترکمنی و سعی در اشاعه فرهنگ ملی خلق ترکمن نیز از دیگر وظایف " ترکمنستان " خواهد بود . این نشریه ضمن افشای ماهیت جنگ طلب و ویرانگر رژیم خمینی ، لحظه ای از فعالیت در راه ایجاد صلح در کشور تصور نخواهد کرد . " ترکمنستان " تنها ارگان کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن است .
مذتهاست که از سوی رهبری (اکثریت) کوشش بعمل می آید که " ایل گوچی " بعنوان نشریه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن به خورد خوانندگان داده شود . هرچند بعد از تشکیل کانون در سال ۱۳۵۷ ، " ایل گوچی " نشریه کانون محسوب میشد و در حد امکانات و شرایط آن زمانی خود فعالیست می کرد ، لذا جا زدن " ایل گوچی " اکثریت بجای " ایل گوچی " اصل و تبدیل کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن به زائده تشکیلاتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کار رندانه ای بود که رهبری این سازمان به موفقیت آن امید بسته بود و مدتی بدین طریق در جلد " کانون " فرو رفته و خلق ترکمن را " نمایندگی " می کرد . ولی دیرری نباید که مطالب بی ربط و عاری از محتسوی " ایل گوچی " اکثریت و برخورد بیزارکننده و حقارت بار آن به مسایل خلق ترکمن ، انزجار هر ترکمن دلسوز به سرنوشت خلق خویش را

برانگیخت . تحریم " ایل گوچی " اکثریت از جانب فرزندان راستین خلق ترکمن نخستین عکس العمل طبیعی ، بجا و منطقی ای بود که حدم پاسخ قاطع به عمل خودسرانه و غیرمجاناز رهبری " اکثریت " راداشته لیکن رهبری " اکثریت " بی اعتنا به این عکس العملها کماکان به لوث کردن مسایل خلق ترکمن و به سخره گرفتن " ایل گوچی " ادامه داده و میدهد . بدینسان برای ما راهی جز این باقی نمی ماند که عطای " ایل گوچی " را به لقنای " اکثریت " ببخشیم و چشم از عنوان " ایل گوچی " نصب شده فرو بندیم و چاره دیگری بیاندیشیم و نام دیگری برگزینیم .
" ترکمنستان " این افتخار تاریخی را دارد که اولین ارگان سازمان مستقل خلق ترکمن یعنی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن است ، و خدمت بزرگ و تاریخی کانون نیز در این است که برای نخستین بار بعنوان سازمانی انقلابی و دمکراتیک و مستقل خلق ترکمن پا به عرصه نبرد نهاده است .
" ترکمنستان " نیز همانند دیگر ارگانهای انقلابی ناگزیر از تغذیه از منابع خلق خویش است . بدون این تغذیه کار این ارگان دچار لنگش خواهد شد . بنابراین وظیفه ملی و انقلابی همه فرزندان راستین خلق ترکمن است که با تمام توان جهت پر بار کردن محتوای " ترکمنستان " تلاش ورزیده و آنرا در سطح وسیع بین توده های مردم برده و زیر پوشش حمایت توده ای قرار دهند .
باشد که " ترکمنستان " بعنوان صدای رسای خلق ترکمن ، بیاری همه دلسوزان به سرنوشت خلق خویش ، بارگرانی را که بر دوش دارد به سر منزل مقصود رسانده و به رسالت خود عمل کند .

روح وحدت طلبی

بهر نیچه هر قوی باغلی قول بولوب
نیچه لر ایزئندا سارنارئب ، سولوب
کیمی برئب ، انونگ باحاشن آلئب
حر کیمه پئر بللی باحا ایلدی .
ماغئیم قولی در اشعار خود حسب وطن -
پرستی را تبلیغ و دفاع از خاک وطن در برابر متجاوزین بیگانه و فایق آمدن بر اختلافات طایفه ای را تشویق کرده ، روی مسئله تشکیل دولت مستقل خلق ترکمن و حاکم شدن بر سرنوشت خویش تکیه میکند . شاعر در تحقق این آرزوی دیرینه خلق چنین می گوید :
کؤنکؤل لر ، یؤرکلر بر بولوب باشلار
تارتسا بیئخین ، ارار تویراقلار داشلار
پئر سویرا دا تاییار قئلنسا آشلار
کؤتیریلر ال ائقبالی تۆرکمئننگ .
در دوره ای که شاعر می زیست بدلیل مختلف اختلافات و کشمکشهای گوناگون بین طوایف ترکمن وجود داشت . شاعر با توجه به این وضعیت و بخصوص با تشدید این اختلافات بین دو طایفه ، یوت و کولکان ، با درک عواقب زیانبار آن ، در مقام مخالفت بر آمده می نویسد :
بیریرین چاپاق ارمس ارکیلدن
بو ایش شیتانئدر ، بلکی کورلوکدن
آغئز آلالشق آیرار ایلی دیرلیکدن
موندان دولت دونوب ، دوشمانا گلگی .
شاعر با تکیه بر " تیره لر غارداشدئر ، اوروغ یاری دئر " بدون دادن جایگاه ویژه ای به طوایف ، قبایل و تیره های مختلف در شکل گیری خلق ترکمن ، به واحد بودن آنها به مثابه یک خلق توجه داشته و بر وحدت آنها جهت پیروزی در مبارزه شان برای آزادی و استقلال پای می فشرود .
بقیه در صفحه ۶

أفوقرک، حا ط گرک، تۆرکمئچه مکتب گرک

ارکئن تۆرکمن صحرائی گؤرشئب فورماق گرک

تاریخچه مسئله ارضی در ترکمنستان ایران

مسئله ارضی در ترکمنستان ایران همواره یکی از عرصه های حاد مبارزات ملی - دیمکراتیک خلق ترکمن بوده است . حدت نبرد در این عرصه چه قبل از تشکیل جمهوری ترکمنستان ایران و چه بعد از سقوط آن و تسلط دیکتاتوری رضاخان ، چه در دوره استبداد محمد رضا شاه و چه در رژیم قرون وسطایی خمینی ایجاب میکند که تاریخچه این مسئله مورد مذاقه قرار گرفته و تحلیل دقیقی ارائه شود . لازمه برخورد درست به مسایل منطقه ، بررسی علمی مسئله ارضی است که ارتباط تنگاتنگ با مسئله ملی دارد .

ویژگی رشد اجتماعی - اقتصادی در ترکمنستان ایران قبل از پیدایش ستم ملی و به تبع آن مسئله ارضی ، تسلط نوعی سیستم عشیرتی - قبیله ای بود . هسته اصلی جامعه ترکمن را در آن ایام گروه های کوچ نشین و گروه های اسکان یافته یعنی جماعت های وابسته به زمین و آب که واحدهای کم و بیش استواری بودند و عدت از طریق کشاورزی امرار معاش میکردند ، تشکیل میداد .

هر یک از طوایف بوسيله ریش سفیدانی بزم بر بنای تجربه ، آگاهی و اعتماد نه بر مبنای ثروت و قدرت انتخاب می شدند ، اداره میشد . بر اساس سنتی که وجود داشت ، طایفه هر یک از افراد آن در قبال هم دارای وظایفی بودند . عضو طایفه بنا بر احتیاجات خود مقدار از زمینهای طایفه را کشت میکرد ، بدون آنکه این امر برای او مالکیتی بر زمین بحساب بیاید . بنا بر این عضو طایفه نمیتوانست زمین و بهمراه آن حق استفاده از آب و وسایل کشت را بدون میراثی به فرزندان خود منتقل نماید . در مقابل ، عضو طایفه موظف به شرکت در کارهای مربوط به طایفه از قبیل احداث زمینهای جدید یا چراگاه عمومی ، حفر قنات و ... بود که آنرا " یاوار " - همیاری - می نامیدند که

تاکنون نیز بعنوان یکی از سنت های مرفعی در میان خلق ترکمن ادامه یافته است . با توجه به این ویژگی اجتماعی - اقتصادی ، سیستم ارباب - رعیتی در میان خلق ترکمن هیچگاه نتوانست جایی برای خود باز بخندد .

مسئله ارضی نمود عینی ستم ملی

بر خلق ترکمن

دولت روسیه تزاری که در سال ۱۸۸۱ با نصب قسمت شمالی سرزمین ترکمن و تقسیم آن به ترکمنستان ایران و روسیه ، حق مسلم خلق ترکمن جهت تعیین آزادانه سرنوشته خویش را به ظالمانه ترین شکلی نقض و پایمال کرده بود ،

جهت گسترش مستعمرات خود ، در سال ۱۹۱۲ قسمت جنوبی آنرا نیز به تصرف نظامی خود در آورد . روسیه تزاری با استفاده از سکوت و عدم اعتراض دولت مرکزی ایران به مستعمره شدن ترکمنستان ایران ، شروع به ایجاد کولونی های روس نشین در این منطقه کرد . در سال ۱۹۱۲ میلادی ، مهاجرت همگانی کولونی های روس ولایت ماوراء خزر (نخستین مهاجران روس پیش از سال ۱۹۰۷ به اینجا آمده بودند) و از سال ۱۹۱۳ میلادی مهاجرت آنها از ولایت های اطراف ولگا و شمال قفقاز به زمینهای زرخیز میان گرگان و قره سو آغاز شده بود . در سال ۱۹۱۴ میلادی در منطقه گرگان - اتراک دو هزار روستایی و در منطقه استرآباد نزدیک به ۲۰۰ خانوار از اینها بودند . بنا بر اطلاعات ژنرال لاورف تنها در سال ۱۹۱۳ میلادی ، نزدیک به ۷۰۰ خانوار روس به آنجا کوچ کرده اند (۱) در مقابل این نیروی بیگانه که سرزمین خلق ترکمن را غصب کرده بود ، خلق ترکمن یکپارچه دست به قیام عمومی زد . آنها جهت مقابله با استعمارگران ، مانع استقرار و گسترش این دزدلونی ها شدند . اوج این قیام در سال ۱۹۱۶ میلادی بود که حکومت روسیه تزاری جهت سرکوبی این قیام ، گروه رزمی ولکونیک و ...

نیروهای بزرگ شامل شش گردان و پسانزده اسواران به فرماندهی ژنرال مادرتیف گسیل داشت ۰۰۰ سپاهیان روس ، بیرحمانه بیوتها و زنان و کودکان آنها را سرکوب کردند (۲) اشغالگران بخاطر ترس از قیام مجسدد و حمله به کولونی ها ، از تعداد کولونی ها کاستند و آنها را به روسیه انتقال دادند و بجای آنها نیروهای بزرگ نظامی خود را مستقر ساختند . ژنرالها و سرهنگهای تزار به محض استقرار شروع به غصب حاصلخیزترین اراضی منطقه نمودند و تمامی زمینهای قابل آبیاری را به تصرف خود در آوردند .

بدنبال پیروزی انقلاب اکتبر و فراخواننده شدن تمامی سپاهیان تزاری در خارج از مرزهای شوروی ، به سیاست امپریالیستی روسیه تزاری خاتمه داده شد . خلق ترکمن دوباره به سرزمین ابا و اجدادی خود مسلط گردید و مالکیت عمومی بر زمین دوباره برقرار شد . با تشکیل جمهوری ترکمنستان ایران در اردیبهشت سال ۱۳۰۳ این نوع مالکیت بر زمین عملاً جنبه قانونی و رسمی پیدا کرد و تا سقوط این جمهوری و تسلط دیکتاتوری رضاخان بر ترکمنستان ایران ادامه یسافت .

بهمراه تسلط خونین رضاخان بر ترکمنستان ایران ، روند پر درد و رنج استقرار دیکتاتوری رضاشاهی و تثبیت و تحکیم ستم ملی به معنای واقعی کلمه آغاز گردید . با آنکه رژیم رضاخان از نظر سیاسی ترکمنصحر را کاملاً به انقیساد خود در نیاورده و مقامات لشگری و کشوری در این منطقه از آرامشی بر خوردار نبودند ، ولی بهره برداری از منابع طبیعی و غصب زمینهای قابل کشت آغاز گردیده بود .

جهت به بیگاری کشاندن مردم در مقیاسی توده ای در اراضی غصبی و وصول مالیاتهای بقیه در صفحه ۶

(۱) و (۲) ترکمنهای ایران - لوگاشوا ص ۱۳۵

تاریخچه مسئله ارضی ...

مستقیم (برای هر خانوار ترکمن ۲۰٪ مالیات بر درآمد ناچیز آنها بسته شده بود) و نصب مراتع عمومی، رضاخان دست به اسکان اجباری ترکمنها زد. داشتن آلاچیق ممنوع اعلام گردیده و تمامی آنها به آتش کشیده شدند. جلادان رضاخان جهت پیشبرد این سیاست ضد ملی غیر جا که با واخشتر سخت ترنمنها مواجهه میندند پایبای سرکوب به سیوه، تحمیق و فریب نیز متوسل میندند. در این رابطه اعلامیه های مختلفی از طرف مزدوران رضاخان در منطقه صادر میگردد؛ "قبیله های ترکمن باید اطمینان داشته باشند که روزگاری که ارتش با توپها،

سلسلهها، سرنیزه ها و شمشیرهای مرگبار خود بسوی آنها می آمد، سپری گشته است. آن روزگار، روز قصاص بود، روزگار خشم شاه بود.

اکنون دوران عذوبت و توجه اوست ... فرهنگ و تمدن از رهگذر رکشودن آموزشگاهها و تکامل سائل زمینداری و از رهگذر پیشرفت اقتصادی و بازرگانی بدست خواهد آمد. من بنسرای اجبرای هر چه زودتر این مسایل به اینجسا آمده ام (تکیه از ما است) (۱). از سوی دیگر جهت بر هم زدن ترکیب جمعیت منطقه و برای حایل قرار دادن خلقهای دیگر جهت حصول ماندن رژیم از صغیانها و حملات مکرر ترنمنها، تصمیم گرفته شد که چند هزار خانوار از هزاره های (بربریه) جنگجو را به زرخیزترین بخشهای ترکمنصحرا بکوجانند. زمینهای مرغوب بخش سیرمکان، همچنین امتیازات مختلف از قبیل معافیت پنجساله از پرداخت مالیات و نظایر آن و نیز کمک مالی به آنها وعده داده شد. هر چند گوشه ای از این طرح ضد ملی به اجرا در آمده بود، ولی از آنجا که دولت با مقاومت خلق ترکمن مواجه شده بود، مجبور به عقب نشینی شد.

با از بین رفتن نظام عشیره ای و اسکان کوچ نشینان و نیمه کوچ نشینان و نابودی دامداری و نصب زمینهایی که در مالکیت عمومی بودند، قشرندی جدیدی در ترکمنستان ایران بوجود آمد. بدینسان نوعی نظام ارباب

رعیتی که بر مبنای سهم بری بوده و از بسالاه تحمل شده بود، بتدریج جای نظام قبلی را گرفت. جهت اداره املاک نصیبی رضاخان اداره املاک اختصاصی تأسیس گردید که رؤسای آن را عمدتاً افسران بازنشسته ارتش تشکیل میدادند. دهقانی که بعجلت عدم باآوری زمین نمی توانست سهم کم رکن اداره املاک را بپردازد مجبور بود آنرا از فروش وسایل ناچیز خانواده خود تأمین نماید. رضاخان توانست با گذراندن قانونی در سال ۱۳۱۱ از مجلس دست نشانده خود به تصرف زمینهای ترکمنستان ایران صورت قانونی داده و به تنها مالک و ارباب منطقه تبدیل شود.

بعجلت محدود پشهای اجتماعی - اقتصادی آندوره در مقیاس عمومی کشور، گرایشاتی که در جهت گسترش روابط سرمایه داری در کشاورزی وجود داشت، در پاره ای موارد تغییرات سطحی و محدود خود را نشان میداد و بسه صورتهای اجبار دهقانان به کشت پنبه، توتون و تنباکو جهت تأمین مواد خام صنایع تبدیلی کشاورزی نمود پیدا میکرد. از سوی دیگر بسا تثبیت مرزهای مشترک با شوروی در سالهای ۱۲-۱۳ تجارت ترکمنها با این کشور که سالها ادامه داشت به رکود کامل کشیده شده و بسه رشد بورژوازی تجاری محلی خاتمه داده شده. تمامی سرمایه های کنز شده بورژوازی که بسه صورت طلا و ارز بود و می توانست در عرصه صنایع و کشاورزی بکار رود با تصویب قانونی در سال ۱۳۱۱ مبنی بر تقویت پستوانه ارزی بانک مرزی، بزور یا با حیل مختلف از ترکمنستان ایران خارج گردید. حیظه عمل این قانون تنها به بورژوازی تجاری محدود نمی شد. زبور آلات زنان ترکمن از گوشواره و گردن بند گرفته تا انگشتر و غیره نیز به عناوین مختلف و با استناد به قانون سال ۱۳۱۱، از چنگشان بیسرون آورده و به خزانه دولتی سرازیر شدند. سیستم ارباب - رعیتی تا سقوط رضاشاه و ورود نیروهای متفقین به ایران بزور شلاق و سرنیزه ادامه یافت. با فرار رضاخان از کشور و بیرون رانده شدن رؤسای املاک اختصاصی توسط تودهای

مردم، نظام ارباب - رعیتی نیز متلاشی و سیستم بیگاری برجیده شد. دوباره خلق ترکمن بر سرزمین آبا و اجدادی خود مسلط شده و مالکیت عمومی طوایف بر زمین احیا گردید. اقتصاد کشاورزی ترکمنستان ایران روبه بهبودی نهاد و روز به روز شکوفا تر شد. حکومت مرکزی نه قدرت آنرا داشت که نظام ارباب - رعیتی را دوباره در ترکمنستان ایران احیا بکند و نه جو عمومی کشور اجازه چنین کاری را بسه آن میدهد.

(۱) از اعلامیه امان الله جهانبانی فرمانده لشکر شرق در فروردین ۱۳۰۶

روح وحدت طلبی ...

وامبری، جهانگرد مجارستانی، که در اوامد قرن نوزدهم مدتی در میان یموتها و گوگلانها زندگی کرده بود، با شخصی بنام قیزیل آخون (ملا مرات) که از افراد اندیشمند ترکمنها بشمار می رفت، آشنا می شود. وامبری از قول قیزیل آخون می نویسد: "ما غنیم قولسی در دوره ای که یموتها و گوگلانها به جنگ و خونریزی علیه یکدیگر مشغول بودند، دیده از جهان فرو بست؛ زیرا قلب زخوف او تاب دیدن اینهمه برادر کشی و به اسارت و بردگی گرفتن زنان و فرزندان یکدیگر را نداشت."

شاعر در اشعار خود، با تکیه بر برادری صوایف یموت و گوگلان و اشتراک سرتوشت آنها، روی ضرورت اتحاد و یکپارچگی تأکید میکند. در شعری که شاعر در سوگ چاد و زخان (۱) سروده به صراحت روی این مسئله انگشت میگذارد. همچنین اگر شعر "اونگی - آردی بیلینمز" او را در نظر بگیریم به سطور زیر بر میخوریم: یموت، گوگلنگک تاسیب ادیب اوزوندن، چکسه غوشون، اونگی - آردی بیلینمز. یا در جای دیگر، شاعر چنین گفته است: رواج برینگ یموت گوگلنگک بر لنگه ادامه دارد

(۱) پس از قتل نادر شاه، احمد درانی

اخبار ترکمن صحرا

زندانیان بویه، شکنجهگاه فرزندان

در بنسداد خلق ترکمن

مدتی است که رژیم خمینی دست به انتقال زندانیان سیاسی ترکمن به زندان بویه گرگان زده است. تازه دستگیر شدگان نقاط مختلف کشور نیز بلافاصله پس از بازجویی های مقدماتی به این زندان انتقال داده می شوند.

هدف رژیم قرون وسطایی از تمرکز زندانیان ترکمن در یک نقطه، تسهیل بازجویی ها با بخدمت گرفتن خائنین و توابین در امر بازجویی و رو در رو قرار دادن این افراد با زندانیان انقلابی و سعی در شکستن روحیه دیگری زندانیان، شکنجه و اعدام انقلابیون در حضور دیگر زندانیان جهت ایجاد رعب و وحشت، جدا کردن زندانیان ترکمن از دیگر زندانیان در نقاط مختلف کشور و ... است.

البته زندان بویه تنها زندان انقلابیون ترکمن نیست. در گنبد، ساختمان سازمان زراعی فاریابی، ساختمانهای مسکونی نرس پور و بیگزاده مدتهاست که تحت پوشش ارگانها و نهادهای مختلف به زندان تبدیل شده است.

در بندر ترکمن ساختمان درمانگاه ایمن شهر و بخشی از ساختمانهای نوینیاد سپاه پاسداران در دو نقطه شهر نیز به زندان بدل شده است.

همچنین بخشی از قرارگاه بزرگ سپاه پاسداران در آق قلا و کومیش دغه (گومیشان) که بصورت قلعه بنا شده اند، بصورت زندان مورد بهره برداری قرار می گیرد.

ایجاد زندان و قرارگاههای پاسداران در سطح ترکمن صحرا، هر روز ابعاد بیشتری بخود می گیرد.

ارمغان جدید رژیم خمینی در منطقه

رژیم خمینی که مدتهاست با عدم کمک مردم به جیبه های جنگ خانمانسوز مواجه شده، جهت ارسال دام به جیبه ها، سهمیه کشتنار - کاههای منطقه را بحد اقل رسانده و با افزایش

دستگیریهای جدید در ترکمنصحرا

در پی اعلام استقلال کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن و آغاز دور جدید فعالیت کانون در ترکمنصحرا، رژیم اسلامی دست به دستگیریهای تازه ای در منطقه زده و پاسداران رژیم در اولین یورش وحشیانه به خانه های افرادی که از نظر رژیم "مشکوک" بنظر میرسیدند و یا بیگناه را دستگیر و عده ای دیگر را در خیابانها ریخته اند که از سرنویشت آنها هنوز اطلاعی در دست نیست.

اولین حمله رژیم جهت دستگیری اعضا و فعالین کانون در منطقه با هوشیاری انقلابی اعضای کانون خنثی شده و از وسعت و گسترش آن جلوگیری بعمل آمده است.

مسلما رژیم با توجه به ناکامی خود در این یورش، با توسل به شیوه های گوناگون به تلاشهای ضد خلقی خود خواهد افزود.

وظیفه اعضا و هواداران کانون است که ضمن حفظ هوشیاری خویش، جهت خنثی ساختن توطئه های جدید رژیم به فعالیت خود بیافزایند.

قیمت گوشت تا کیلویی ۲۵۰۰ ریال، مشکل جدیدی به مشکلات عدیده مردم منطقه افزود است. میزان کشتار در بعضی شهرهای منطقه، بخصوص در بندر ترکمن به صفر رسیده و عملا کشتارگاه این شهر بسته شده است.

مردم این شهر مجبورند با ذبح دام در محلات نیاز خود را رفع نمایند. این امر علاوه برسبب افزودن به خیل بیکاران در منطقه، بدنایال خود بیماریهای واگیرداری از قبیل سل و یرقان را نیز به همراه آورده است.

ترکمن ها آزادند معتاد شوند!

چند جوان معتاد به مواد مخدر توسط پاسداران کیمته به اصطلاح مبارزه بسا مسواد مخدر در گنبد، دستگیر و زندانی می شوند.

سه تن از بازداشت شدگان که ترکمن بودند به توصیه حاج عزیز، یکی از گردانندگان اصلی این کیمته و کیمته خلع سلاح، آزاد می شوند.

حاج عزیز در جواب یکی از پاسداران که علت آزادی غیر منتظره سه جوان ترکمن را جویا شده بود، چنین می گوید: "اینها همه کانونی و شورایی هستند و خیری برای اسلام عزیز ندارند. بهتر است که معتاد باشند!"

حاج عزیز به اتفاق همکاری گنجی، که او نیز یکی از گردانندگان کیمته مبارزه بسا مواد مخدر در گنبد است با همکاری محمد بلوچ قاجا قچی معروف، شبکه توزیع مواد مخدر در روستاهای تاتار علیا، کاکا و روستا های غرب گنبد را در دست دارد. همچنین این شبکه با شبکه های دیگر توزیع مواد مخدر در منطقه در ارتباط است. صفر حسینی (از افراد سابق گارد شاهنشاهی) گرداننده شبکه کلاسه و روستاهای اطراف و کاکا امانی گرداننده شبکه بندر ترکمن و روستاهای اطراف این شهر در امر توزیع مواد مخدر هستند.

قوچ یتگیت لر

آتیان اوق دآشدان غایتماز
مهرت ناماردی آدام اویتمز،
قولون کسینگ سوزون آیتماز،
چئن مردانا قوچ یتگیت لر.
ماغتیم قولی، یوق حییالتم،
پررگه یوق قولدا مالیم،
ال لاقادام اوردی سالتم،
حاسرات بیلن، قوچ یتگیت لر.

ماغتیم قولی پراغی

در پیرامون ...

همانطور که در بیانیه آمده "متأسفانه تا به امروز نه تنها ارزیابی همه جانبه و دقیقی از جنبش انقلابی و حق طلبانه خلق ترکمن در جریان و بعد از انقلاب بعمل نیامده، بلکه در مجموع درباره مبارزات رهایی بخش این خلق در دوران معاصر سکوت شده است. همانگونه که درباره چگونگی بخاک و خون کشیده شدن اولین جمهوری ملی - دموکراتیک ترکمنستان توسط ارتش سرکوبگر رضاخانی و ماهیت طبقاتی و سمگیریه‌های سیاسی و اجتماعی این جمهوری عامدا سیاست سکوت در پیش گرفته شده، بجای شگفتی نخواهد بود اگر این بار تحقیق و بررسی علل ظهور و رشد جنبش حق طلبانه خلق ترکمن و سرکوب آن بدست رژیم ولایت فقیه، در سایه اشتباهات سازمانهای سیاسی قرار گرفته و یا دستخوش اختلافات درون گروهی آنها گردد."

بیانیه با تجزیه و تحلیل تاریخ مبارزات خلق ترکمن به درستی به این نتیجه می‌رسد که نقض ضعف اصلی جنبش در: "نیود سازمان مستقل انقلابی ترکمن و مآلاتکین و دنباله روی آنها از سازمانهای دیگر" بوده است. یکی از دلایل اصلی رکود مقطعی پروسه جنبش و بوجود آمدن تفرقه در صفوف آنها باید در این نقطه ضعف اساسی جستجو کرد. در شرایطی که روند پرشتاب رویدادها و بعدی انقلاب ایران و رزم مشترک تمامی خلقهای میهنمان علیه رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه ایجاب می‌کرد که خلق ترکمن نیز پمنا به یکی از خلقهای تحت‌تتم ایران فعالانه در این مبارزه شرکت نماید، خلاصه وجود ناشی از عدم وجود سازمان مستقل این خلق بر کسی پوشیده نبود.

این کمبود محصول طبیعی و ادامه روندی است که از سال ۱۳۱۶ آغاز شده و تا به امروز رسیده است. روشنفکران انقلابی که در جنبش دموکراتیک آن زمان شرکت فعالی داشتند بدون بررسی دقیق تاریخ مبارزات خلق خویش

و خواستههای مبرم ملی و طبقاتی این خلق، در صف حزب توده ایران ادغام شده و سرنوشت خلق ترکمن را به این حزب می‌سپارند. در واقع آنها: "به ضرورت ایجاد تشکیلات مستقل خود جهت هدایت جنبش ملی - دموکراتیک این خلق پی نبرده بودند." بدینسان بود که حزب توده ایران بر بستر غیراصولی و مکانیکی این پیوند و با توجه به فراهم بودن زمینه های عینی و ذهنی رشد و گسترش جنبش ملی خلق ترکمن و "تأثیر و جاذبه ملموس سوسیالیسم برای این خلق در امر رهایی از ستم ملی و پایبنداری تشکیلات این حزب در ترکمنصحرا توسط عناصر انقلابی ترکمن که از اعتماد خلق ترکمن برخوردار بودند، در رأس جنبش ملی - دموکراتیک این خلق قرار میگردد." پیامد این جریان دوری و جدایی بسیاری از مبارزین ترکمن از جنبش است که آمادگی پذیرش ایدئولوژی حزب توده ایران را نداشتند و موافق خط مشی آن در رابطه با مسئله ملی و منطقه نبودند. در این دوره که دوره "اوچگیبری و مآلات پیروزی جنبشهای ملی - دموکراتیک خلقهای ایران و اعلام جمهوریهای خودمختار آذربایجان و کردستان بود، خلق ترکمن نمیتواند جایگاه شایسته خویش در رزم مشترک خلقهای میهنمان علیه ارتجاع و امپریالیسم را احراز نماید.

بدنبال سقوط جمهوریهای آذربایجان و کردستان، موج سرکوب در ترکمنصحرا نیز آغاز گشت و صدها تن از مبارزین ترکمن دستگیر و یا مجبور به مهاجرت از کشور شدند. بدینسان دوره اول فعالیت تشکیلات حزب توده ایران در ترکمنصحرا خاتمه می‌یابد. دوره دوم فعالیت این حزب در ترکمنصحرا که با احیاء و بازسازی تشکیلات آن بعد از ضربه ۱۳۲۴ شروع میشود با کودتای ۲۸ مرداد خاتمه می‌یابد. مبنای تشکیلات حزب توده ایران در ترکمنصحرا در این دوره نیز مجددا بر همان اساس قبلی گذارده شده و بدون در نظر گرفتن خصوصیات، ویژگیهای منطقه و علایق ملی خلق ترکمن، سیاست کلی این حزب پیش برده

میشود. طبیعی است که این سیاست دستاورد چندانی برای خلق ترکمن به همراه نخواهد داشت. دوره دوم نیز با تعقیب، سرکوب، مهاجرت و زندانی شدن انقلابیون ترکمن خاتمه می‌یابد. حزب توده ایران نه تنها هیچگونه ارزیابی جامعی از فعالیت خود در این دوره در ترکمنصحرا، یعنی از سال ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ ارائه نداده بلکه از بردن نام شهدای خلق ترکمن نیز که از اعضای این حزب بشمار می‌آیند، خودداری نموده است. "پس از سرکوبی حزب توده ایران و از هم پاشیدن تشکیلات آن در ترکمنصحرا، از اوایل دهه ۳۰ تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷، جنبش انقلابی خلق ترکمن فاقد هرگونه تشکل سیاسی از طرف این حزب بود" و این جنبش از طرف حزب توده ایران بحال خود رها میگردد. در شرایطی که دهقانان ترکمن تحت فشار یورش عمال ارتجاع جهت غصب زمینهای آنان قرار داشتند و نیروهای پیشرو با چنگ و دندان از حقوق ملی و دموکراتیک خود دفاع میکردند، جهت سازماندهی این مبارزه نه از تشکیلات حزب توده ایران اثری بود و نه یک سازمان مستقل انقلابیون ترکمن بوجود آمده بود.

"برخورد حزب توده ایران به جنبش ملی - دموکراتیک خلق ترکمن در دوره پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیز نه تنها نشانگر هیچ تغییری مثبتی در این مورد نبود، بلکه با مواضعی که در قبالت مبارزات عادلانه خلق ما و دستاورد حساسی انقلابی آن گرفت عملا در مقابل خلق ترکمن و در جانب سرکوبگران این خلق قرار گرفت." حزب توده ایران در اوایل انقلاب با توجه به مشی اپورتونیستی خود در قبال حاکمیت ارتجاعی خمینی، که از فردای انقلاب به سرکوبی خلق ترکمن پرداخته بود، با توطئه سکوت در مقابل جنایات حاکمیت در ترکمنصحرا عملا به این سرکوب مهر تأیید گذاشت. بعد از خاتمه جنگ تحمیلی اول رژیم خمینی به خلق ترکمن، حزب توده ایران نیز جهت

در پیرامون ...

انحلال شوراهای روستایی و در نهایت نابودی " ستاد مرکزی شوراهای روستایی ترکمنصحرا " شعار " تشکیل کمیته های دهقانی " را علم کرد . و این در حالی بود که شوراهای روستایی قسمت اعظم زمینهای بزرگ مالکان و بورژوا - ملاکان بومی و غیر بومی در منطقه را صادره انقلابی کرده و بزیرکشت جمعی خود برده بودند . تحقق این شعار حزب توده ایران مفهومی جز نابودی شوراهای ایجاد شده و از بین بردن دستاوردهای انقلابی آنان و خنثی کردن مبارزه آنها در امر کسب حق تعیین سرنوشت خلق ترکمن نداشت . از آنجا که این شعار بدون کمترین اثری، در جوشش انقلابی شوراهای محو نمید ، حزب توده ایران برای مقابله با کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ، طریق دیگری را در پیش گرفت . اولین اقدام این حزب صدور اعلامیه ای علیه رهبری کانسون و منتسب کردن آنها به نفوذ الهی بود . در این اعلامیه ، کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بعنوان " مرکز آتش افروزی در منطقه " معرفی شده و این یعنی تشویق و ترغیب حاکمیت برای سرکوبی جنبش خلق ترکمن بود . کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن جهت خنثی نمودن این توطئه حزب توده ایران اعلامیه ای در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۵ صادر نموده و به افشای این حزب پرداخت .

با اوج گیری انقلاب ایران ، نطفه های این پیشدرست و اصولی که خلق ترکمن بسبب برای پیشبرد مبارزات ملی - دمکراتیک خود احتیاج مبرمی به تشکیلات مستقل خویش دارد ، در بین بخشی از روشنفکران ترکمن که به تاریخ مبارزاتی چند دهه اخیر خلق خویش و نقش و عملکرد حزب توده ایران در این رابطه ، بدیده انتقاد می نگریستند ، بسته شد . براین اساس بود که " اولین گروه انقلابی خلق ترکمن بنام " جوانان مبارز ترکمن " در منطقه پایه گذاری گردید و با صدور اعلامیه های افشاگرانه و سازماندهی تظاهرات و پرداختن به کارهای توده ای زمینه ایجاد تشکیلات مستقل و سراسری در ترکمن

صحرا را بوجود آورد . تشکیل این گروه گام بزرگی بود در راستای خنثی ساختن ضربات وارده بر جنبش و غلبه بر پراکندگیها و کج رویهای درونی آن و پاسخگویی به نیاز مبرم جنبش ملی دمکراتیک خلق ترکمن . این گروه به همراه " کمیته همبستگی خلق ترکمن در گنبد " و " شورای انقلابی خلق ترکمن " در بندر ترکمن که در محبوبه انقلاب تشکیل شده بودند در روند رشد خود به یک تشکل سراسری و با مضمون مشخص یعنی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن - فرا روئید .

" با اعتلای هرچه بیشتر جنبش سراسری ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم ایران ، مرحله جدیدی از تاریخ مبارزات حق طلبانه خلق ترکمن نیز آغاز گردید . " شعارهایی که منعکس کننده خواسته های اساسی این خلق مبنی بر رفع ستم ملی ، کسب خود مختاری ، باز پس گرفتن زمینهای از دست رفته و بیرون راندن غاصبان از سرزمین خلق ترکمن بسودند ، در سرتاسر ترکمنصحرا طنین انداخت .

حال که رژیم شاهنشاهی سرنگون شده و رژیم اسلامی مستقر شده بود ، این سؤال پیش روی انقلابیون ترکمن قرار داشت که چگونه و در اتحاد با چه نیروهایی باید رهبری جنبش را ادامه داد و آنرا به سرمنزل مقصود رساند . " فعالیت چندین ساله چریکهای فدایی خلق ، طرفداری آنها از سوسیالیسم ، استقلال و دمکراسی و نیز عملیات فدائیکارانه آنها در راه رسیدن به این اهداف ، یکنوع سمپاتی در میان انقلابیون ترکمن بوجود آورده بود . " این امر زمینه ای بود برای انقلابیون ترکمن که اینبار در ارتباط تنگاتنگ با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران قرار گرفته و جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن را از کانال جنبش هوادار طبقه کارگر به سوی پیروزی رهنمون سازند .

صداقت مبارزان ترکمن و خوشبینی و اعتماد مطلق آنان به جنبش هوادار طبقه کارگر ، موجبات تکرار ترازوی حزب توده ایران در ترکمنصحرا را فراهم ساخت .

در جریان جنگ تحمیلی اول رژیم بر خلق

ترکمن در گنبد و بویژه در مرحله بعد از جنگ حضور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بعلت وجود زمینه های مساعد در منطقه افزایش یافت و عملا سرنوشت جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن تابع نوسانات جریان فدایی گردید و " بعلت غیر اصولی بودن این پیوند بهمسراه تلاش در اعمال اراده سازمانی " ، کانسون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بتدریج از مضمون دمکراتیک خود تهی و به زائده تشکیلاتی این سازمان تبدیل گردید . عواملی چون عدم اعتنا به استقلال کانون و نوسانات ایدئولوژیک و سیاسی جریان فدایی که بالطبع انشعابات مختلفی را بدنیال داشت ، باعث تفرقه و شکاف در صفوف جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن شده و دیگر بار عده کثیری از نیروهای دمکرات و انقلابی را از حول کانون دور ساخت .

" بدنیال انشعاب بهار ۱۳۵۹ ، سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت سیاست خود در فبال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را بسرعت تغییر داده و به همراه حزب توده ایران بدفاع از رژیم خمینی ، همان رژیمی که تا بدینسروز خلقهای کرد و ترکمن و خلقهای عرب و بلوچ را بخاک و خون کشیده بود ، پرداخت . بنا توجه به اینکه کانون فرهنگی - سیاسی خلسبق ترکمن بصورت شاخه ای از تشکیلات " اکثریت " در آمده بود ، این تغییررشی نیز تأثیر خود را مستقیما در ترکمنصحرا بر جای گذاشت . " .

دفاع از خواسته های اساسی خلق ترکمن جنای خود را به دفاع از بندهای " ج " و " د " اسلامی داد . فدائیان خلق اکثریت ، خلق ترکمن را به حمایت از رژیم خمینی ترغیب ، شوراهای دهقانان را به عدم مقابله با کارگزاران رژیم دعوت و تبدیل شوراهای انقلابی به شوراهای اسلامی را تشویق می کردند . " شعارخواست خود مختاری خلق ترکمن بدون هیچگونه توضیحی به یکباره از نشریات سازمانی و نشریات بظاهر منتسب به کانون مثل " ایل گوچی " حذف گردید . برای فرو نشاندن روحیه مبارزه جویی خلق ترکمن شیوه های طومار نویسی و ارسال

در پیرامون ...

نامه به امام و ... مرسوم گردید . جهت " نزدیک کردن " هر چه بیشتر خلق ترکمن و رفع "کدورت" نسبت به قاتلین شریفترین فرزندان این خلق و عامل سرکوب آن- جمهوری اسلامی ایران - "تقویت" تفاهم ملی" با دیگر خلقهای ایران آفریده شد و تحت پوشش آن تقویت تفاهم با حاکمیت جمهوری اسلامی پیش برده شد . رهبری "اکثریت" جهت بی‌خطر ساختن خلق ترکمن برای حاکمیت و تضمین آرامش خاطر آن ، دستور خلع سلاح داده و اسلحه موجود در منطقه را بسوی کمیته‌ها سرازیر کرد .

موارد یاد شده گوشه‌هایی از آن جنبه‌های منفی هستند که علت آن پیوند غیراصولسی جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن با جنبش سراسری ، بخصوص با جنبش طرفداران طبقه دارگر است . بدینسان اینبار "اکثریت" است که بعنوان سازمان برادر حزب توده ایسران وارد عرصه مبارزه ملی - دمکراتیک در ترکمن صحرا شده و گوشه ای از "برنامه" ناتمام حزب برادر را تحقق می‌بخشد . دو سازمان برادر هنگامی که تحت شرایط تحمیلی مجبور به بررسی گذشته خود شده بودند ، نهایت تقسلا، خود را کرده‌اند تا سخنی از ترکمن صحرا و فعالیت این سازمانها در آن خطه بر زبان رانده نشود . هر چند جریان فدایی در سال ۵۸ ، بعد از سرکوب خلق ترکمن از طسرف حاکمیت جمهوری اسلامی ، با ادعای اینکه " ... تحلیل شخصی از چگونگی پیوند مبارزه ملی و طبقاتی در ترکمن صحرا با جنبش دمکراتیک سراسری ایران بویژه مبارزه در حال گسترش صبقه دارگر ایران ، از جمله وظایف مهمی است که باید بدان پاسخ داده شود (۱) ، "گام" کوتاهی در اینراه برداشت . لیکن این "گام" در جهت پاسخگویی به این "وظیفه" مهم ، چیزی نبود جز گامی در جهت تحریف تاریخ مبارزات خلق ترکمن و نتیجه گیری دلخواه خود از این تاریخ تحریف شده در جهت اثبات

"درستی" خط مشی خود در منطقه و تلاش در توجیه پیوند غیراصولی جنبش ملی - دمکراتیک خلق ترکمن با این جریان . این نخستین "گام" تحلیل "نه تنها فرسنگها از تحلیل مشخمر و تاریخی بدور است ، بلکه با تحریف خشن تاریخ ، بدون اینکه نامی از تشکیل اولین جمهوری ترکمنستان ایران و چگونگی سقوط آن بدست رضاخان برده شود ، مدعی می‌شود که گویا "سالهای اول حکومت رضاخان با تغییرات محسوس ولی نه چندان مهمی در جوانب مختلف زندگی مردم ترکمن صحرا همراه بود ؟ (۲)" صیعی است که تاریخ نگاری باین سبک نتیجه‌ای جز تطهیر یکی از جنایتکارترین چهره های تاریخ ایران نخواهد داشت .

در دناک این است که این اباطیل ، تحت عنوان "تحلیل" ، بنام "کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن" ارائه میشود . ما اعلام می‌داریم که کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن با این "تحلیل" ها بیگانه است ؛ نه تنها بیگانه است بلکه مخالف سرسخت این قبیل "تحلیل" ها بوده و در جهت افشای "تحلیل گران" آنها خواهد کوشید .

بر خورد ما به گذشته جریانهای توده ای و فدایی و افشای ماهیت سیاست این دو جریان در رابطه با مسئله ملی خلق ترکمن ، نافی اعتقاد ما به اصل اتحاد با نیروهای واقعا دموکرات نیست . کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن نه تنها مخالف اتحاد با نیروهای انقلابی و دمکراتیک نیست ، بلکه به سهم خود منادی چنین اتحادی نیز هست . ما بر این باوریم که امر سرنگونی رژیم خمینی و دستیابی به حق تعیین سرنوشت خلقها ، جز از راه اتحاد نیروهای انقلابی و دمکراتیک و گرد آمدن آنها حول یک جبهه امکان پذیر نخواهد بود .

"کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن" ، با اتداه به سعایت بیدریغ خلق خود و تجربیات غنی که در پروسه انقلاب و ایجاد سیستم شورایی در منطقه کسب کرده است ، عزم راسخ دارد که با تعهد انقلابی و احساس مسئولیت در قبال سرنوشت خلق ترکمن و سایر خلقهای

ایران لحظه ای از مبارزه در راه رهایی از رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه ، ایجاد ایرانیسی مستقل ، آزاد و دمکراتیک و دستیابی به خود مختاری شورایی باز نایستند ."

- * جملات داخل گیومه تماما از بیانیه کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن نقل شده است .
- (۱) کتاب زندگی و مبارزه خلق ترکمن ص ۴
- (۲) کتاب زندگی و مبارزه خلق ترکمن ص ۱۳

خود مختار شورایی خلق ترکمن در سال ۱۳۵۸ توسط قوای سرکوبگر جمهوری اسلامی نمی‌تواند ضلعه های پرفروغ جنبش ملی دمکراتیک خلسق را خاموش سازد . مادامکه ستم ملی از جانب رژیمهای ضد ملی بر خلق ترکمن اعمال میشود ، جنبشهای ملی این خلق - این بار تحت سازماندهی و رهبری سازمان رزمنده آن یعنی کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن - پر توانتر از قبل پدیدار خواهند گشت .

هیچ دولتی ، تا زمانی که ستم ملی بر خلقها محو نشود و این خلقها بر سرنوشت خویش حاکم نشوند ، نمی‌تواند گریبان خود را از جنبشهای ملی خلاص کند .

بحران ...

کشتی ای را که از این تنگه عبور کند با این موشکها هدف قرار دهد .

آمریکا اکنون با اعزام بلاانقطاع رزمناوها و ناوهای هواپیمابر و تعداد نامعلومسی از زیر دریایی ها ، و تحت پوشش گرفتن اینهمه بوسیله ناو هواپیمابر "کیتی هاوک" در دریای عمان و نظارت آنها از طریق پایگاه "دیپکوگاریا" در اقیانوس هند و آماده سازی این پایگاه جهت اجرای برنامه های تدارکاتی جنگی ، به یکی از بزرگترین نقل و انتقال دریایی دست زده است .

به ناگزیر باید به انتظار نشست که لاله داغهای کاخ سفید چه در پیش دارند و ابلهان جمهوری اسلامی چه عکس العملی از خود نشان خواهند داد !

در قداوم مبارزه ملی

شد مگر از طریق مبارزات خستگی ناپذیر پیشروان آن ملت در صف تشکیلات مستقل خود و بسیج توده مردم توسط همین تشکیلات و همبستگی انقلابی با دیگر سازمانهای مترقی کشور.

خلق ترکمن ملتی است با زبان، فرهنگ، تاریخ، اقتصاد و سرزمین مشترک خود - سالیان درازی است که این خلق در راستای حراست این وجوه مشترک ملی مبارزه کرده و با موانع عدیده ای مواجه شده است. گذشته مبارزاتی خلق ترکمن نشان داده است که این خلق قادر به داشتن سازمان مستقل خود بوده و توانایی تربیت کادرهای انقلابی خود در چهارچوب این سازمان را دارد. بدون تربیت کادرهای انقلابی و آبدیده شدن آنان در جریان سخت مبارزه، صحتی هم از بسیج رهبری توده ها در کوران جنبش نمی تواند میان باشد.

در اینجا بی مورد نیست که گفته یکی از اعضای هیئت سیاسی حزب توده ایران را در رابطه با خلق ترکمن و تشکیلات رزمنده آن نقل کنیم. این فرد بهنگام بحث در اطراف مسئله ملی خطاب به یکی از سؤال کنندگان در مورد کانون فرهنگی - سیاسی می گوید: "قوم ترکمن هیچوقت تشکیلاتی نداشته و دیگر نیز نخواهد داشت!" (تکیه از ماست) بدون اینکه خواسته باشیم با این شخص به بحث بنشینیم، ذکر این نکته ضروری است که اولاً وی کوچکترین اصلاعی از تاریخ خلق ترکمن ندارد، ثانیاً برخورد او به مسئله ملی بعنوان یکی از رهبران حزب "طبقه کارگر" بی نظیر است!

با تأسف باید اذعان داشت که تعداد احزاب و سازمانهایی که خود را در گفتار موافق حل مسئله ملی قلمداد می کنند کم نیستند، ولی سازمانهایی که بتوانند این ادعا را در کردار نیز باثبات برسانند نادرند. از جمله سازمانهایی که نتوانستند گفتار و کردار خود را در رابطه با مسئله ملی تلفیق کنند و دل و

زبانشان یکی نبود، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است. هر چند این سازمان توانست با دادن شعارهای دهن پرکن نشان دادن سراب در بادیه بسیاری از فرزندان مبارز خلق ترکمن را مدت نسبتاً مدیدی بغریب و نیرو، وقت، امکانات، آنها را در جهت اهداف سازمانی خود بکار گیرد و مآلاً به هدف مستحیل ساختن کانون در خود نزدیکتر شود، ولی در نهایت قادر به کشیدن بار سنگین مسئله ملی خلق ترکمن نبود.

کشور ما ایران دارای ترکیب ملی فوق العاده رنگارنگی است. با توجه به این ترکیب و سطح نامتجانس رشد و تکامل تمامی ملیتها، حل مسئله ملی از نقطه نظر پراتیک آسان نخواهد بود. تئوریا و "راه حل" های متنوعی برای حل مسئله ملی ارائه میشود. یکی به پیروی از سیاست شوونیستی و عظمت طلبانه خوش وجود همه ملیتها را نفی کرده و آنها را در ملت حاکم مستحیل شده قلمداد میکند. دیگری مسئله ملی را مسئله ای حاشیه ای و از مسایل فرعی تلقی کرده و حل آنها منوط به حل مسایل "اصلی" میکند و در نهایت با تکرار خرافات دسته اول تعصبات ناسیونالیستی خود را بروز می دهد.

مادامیکه مسئله ملی خلقی حل نشود، صحبت از حل دیگر مسایل عبارت پر دازی ای بیش نخواهد بود.

جنبش ملی خلق ترکمن مدتهاست که پدیدار شده و پیروزی و شکست را توأماً تجربه کرده است. استقبال با آغوشی گشاده از این جنبش در اوج پیروزی و روی برتافتن از آن در حقیقت شکست معنایی جز اپورتونیسم نمی تواند داشته باشد. طبیعی است که این جنبش حل یکسری از مسایل ملی و طبقاتی را مدنظر دارد و در این راه قائل به کشیدن دیوار چین بین این مسایل نیست. در شرایطی که حتی زبان مادری خلق ترکمن نیز تحت تعقیب است و این خلق از ابتدایی ترین حقوق ملی خود محروم است، گامها محق خواهد بود که حل این مسایل را در

دستور روز کار و فعالیت خود قرار دهد. پراتیک مبارزاتی و تجربه دیگر ملل نشان داده است که در جریان پدیدار شدن جنبش ملی، چندین مسئله توأماً قابل حل اند. جدا کردن تصنعی مسایل از یکدیگر و مودول کردن حل يك مسئله به مسئله دیگر یاوه گویی ای بیش نبوده و گره از نار جنبش ملی نخواهد گشود. بحث دربارۀ معمولاتی چون مسئله ملی بحد کافی پیچیده است و درک صحیح این مسئله برای داشتن مشی اصولی و احتراز از غلطش به سمت ناسیونالیسم از سویی و شوونیسم از سوی دیگر دارای اهمیت حیاتی است.

پیدایش و قوام یافتن ستم ملی در ایران تاریخ و ویژگیهای خود را دارد. در دوران ما قبل سرمایه داری - دورانی که شیوه تولید فتوالمی و اقتصاد طبیعی شکل عمده و تقریباً فراگیر تولید اجتماعی بود - ستم ملی به معنای معاصر آن نمی توانست وجود داشته باشد. به موازات افزایش سرمت مناسبات سرمایه داری در ایران و تبدیل بازارهای ملی ستم ملی نیز پدیدار گشت.

آغاز ستم ملی همواره با پدیدار شدن جنبشهای ملی توأم بوده است. جنبشهای ملی خلق ترکمن در نیمه دوم قرن نوزدهم در برابر رژیم تزاری روسیه و جنبش ملی ۱۳۰۳ این خلق در برابر رژیم دیکتاتوری ایران از جمله جنبشهای ضد ستم ملی بوده اند. اگر جنبشهای ملی نیمه دوم قرن نوزدهم طلیعه دار جنبشهای ملی خلق ترکمن بوده و جنبش ملی ۱۳۰۳ با بکارگیری تجارب این جنبش موفق به سب استقلال و تشکیل جمهوری ترکمنستان ایران شد، جنبش ملی - دمراتیک سالهای ۵۸ - ۱۳۵۷ خلق ترکمن مراحل متکامل این جنبشها بوده و با خسود حکومت خود مختار شورایی را به ارمان می آورد. نه سرکوب جنبش ملی نیمه دوم قرن نوزدهم بوسیله قشون تزاری روسیه و نه سرنگون ساختن جمهوری ترکمنستان ایران توسط قشون رضاخانی در سال ۱۳۴۱ و نه سقوط حکومت

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی اوین و گوهر دشت

در پی اعلام انتقال ۴۰ تن از زندانیان سیاسی توسط پاسداران رژیم اسلامی و بخاطر اعتراض به آزار و شکنجه و وضع اسفناک بهداشتی و غذایی، زندانیان زندان اوین که احتمال اعدام همبندان خود را پیش بینی میکردند؛ دست به اعتصاب غذا زدند.

رژیم ولایت فقیه در مقابل اعتصاب قهرمانانه زندانیان سیاسی مجبور به عقب نشینی شده و از انتقال زندانیان سیاسی خود داری میوزرد. زندانیان سیاسی اوین پس از ۴ روز به اعتصاب خود پایان میدهند.

همزمان با اعلام اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان اوین، زندانیان سیاسی گوهر دشت نیز بدنیال خود سوزی یکی از همبندان خود و اعتراض به شرایط جبهنی زندان، اعتصاب غذای خود را اعلام میکنند. این حرکت قهرمانانه زندانیان سیاسی گوهر دشت، باعث اعلام مجدد اعتصاب غذای زندانیان اوین، جهت همبستگی با آنان میشود. پاسخ رژیم ولایت فقیه به این حرکات، سرانیز کردن پاسداران بدرون زندانها و ضرب و شتم وحشیانه در بندان بود.

تجمع خانواده های زندانیان سیاسی اوین و گوهر دشت

خانواده های زندانیان سیاسی اوین و گوهر دشت، پس از اطلاع از اعتصاب غذای فرزندان خود، در مقابل زندان اوین و گوهر دشت تجمع کرده و خواهان ملاقات با عزیزانشان میشوند. از آنجا که زندانیان از طرف رژیم ممنوع الملاقات شده بودند، خانواده های زندانیان موفق به دیدار آنها نمیشوند.

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن در حمایت از اعتصاب قهرمانانه زندانیان سیاسی اعلامیه ای انتشار داده که متن آن در ذیل آورده شده است:

خلق مبارز ترکمن!

هم میهنان مبارز!

نیروهای مترقی و انقلابی ایران!

زندانیهای مخوف اوین و گوهر دشت شاهد اوجگیری مجدد مبارزه قهرمانانه زندانیان علیه رژیم فزون وسطایی خمینی است. از بیستم تیر ماه زندانیان مبارز شکنجه گاههای اوین و گوهر دشت بار دیگر جهت اعتراض به شرایط طاقت فرسای زندانیان خمینی و قطع

شکنجه های غیر انسانی در حق اسیران دست به اعتصاب غذا زده اند. این اقدام قهرمانانه در عین حال که اثبات شکست سیاستهای ضد بشری رژیم در ایجاد جو رعب و وحشت با توسل به شکنجه ها و اعدامهای دسته جمعی جهت درهم شکستن روحیه مقاومت و مبارزه زندانیان سیاسی است، از سوی دیگر نیز حکایت از عمق مبارزات مردم میهن ما دارد که اکنون اسارتگاههای رژیم را به لریزه در آورده است.

اعضا و هواداران کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن که به همراه سایر زندانیان سیاسی میهنان در اسارتگاههای رژیم خمینی از آرمان خالقهای میهنان و از حیثیت سازمان رزمنده خود دفاع میکنند به مبارزه مشترک با دیگر زندانیان سیاسی علیه رژیم قرون وسطایی خمینی ادامه میدهند.

اکنون وظیفه انقلابی و عاجل همه نیروهای مترقی و انقلابی است که مبارزات قهرمانان در بند میهنان را به گوش مردم برسانند و همه وجدانهای بیدار و آگاه جهانیان را از جنایاتی که در زندانیهای مخوف رژیم خمینی میگذرد آگاه سازند. متحداً برای آزادی زندانیان سیاسی بیباک خیسریم!

سرتنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران!

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

تیر ماه ۱۳۶۶

آدرس پستی

ترکمنستان

ارگان کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن

P.L.K

A 052295

1000 BERLIN 11

روح و وحدت طلبی ...

دنباله (۱)

استقلال افغانستان را اعلام کرده آمادگی خود جهت تشکیل حکومتی مرکب از افغانستان و ترکمنستان را اعلام میکند. وی طی پیغامی که به ترکمنها می فرستد، خواستار اعزام هیئتی از طرف آنها به افغانستان برای مذاکره در اطراف این مسئله میشود. چاودورخان که از طرف خلق ترکمن به سرپرستی هیئت نمایندگی انتخاب میشود، به همراه هیئت خود، بعجلت بسته بودن مرز ترکمنستان و افغانستان بوسیله دولت ایران، از طریق یزد و کرمان عازم

افغانستان میشود. از آنجا که جاسوسان حکومت ایران از عزیمت این هیئت مطلع بودند، بنا به دستور حکومت مرکزی، چاودورخان و یارانانش را در حوالی کرمان تعقیب و بازداشت کرده بقتل میرسانند. ماغتم قولی در شعر خود تحت عنوان "چاودورخان" چنین می گوید:

"آخمت پادشادان حابار آلمانا،
أمید ائدی ایلر چودورخان اوچین،
ساع - سالامات باریپ، غاید شپ کلمآگه،
انگمادی ائقبال لار چودورخان اوچین."
ماغتم قولی، آثار برگزیده، جلد اول، ص ۱۲۸

زنده باد آزادی